

جهانهای معرفتی متفاوت

کابریل واکاریو

مترجم: ایلقار موذنزاده

www.ketab.ir

سرشناسه: واکاریو، گابریل Vacariu, Gabriel

عنوان و نام پدیدآور: جهان‌های معرفتی متفاوت / گابریل واکاریو؛ مترجم ایلقار مؤذن‌زاده.

مشخصات نشر: تبریز: انتشارات حکیم نظامی گنج‌ای، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۳۸۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۲۵۵-۱۹-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Epistemological different worlds, 2008.

یادداشت: کتاب‌نامه.

موضوع: شناخت (فلسفه) Knowledge, Theory of

فلسفه Philosophy

فیزیک Physics

روان‌شناسی Psychology

شناسه افزوده: مؤذن‌زاده خیاوی، ایلقار، ۱۳۶۳، - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۹۰۱۶۱

رده‌بندی دیویی: ۲۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۰۸۱۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

www.ketab.ir

جهان‌های معرفتی متفاوت

گابریل واکاریو

مترجم: ایلقار مؤذن‌زاده

صفحه‌آرایی: کارگاه نشر نظامی

طرح جلد: کارگاه نشر نظامی

مشخصات ظاهری: ۳۸۶ ص. رقعی / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۲۵۵-۱۹-۴

ناشر: انتشارات حکیم نظامی گنج‌ای

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: تبریز - نظامی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳ / تیراژ: ۱۰۰۰

نشانی: تبریز، اول خیابان طالقانی، ساختمان نورافزا، طبقه ۱

تلفن: ۰۴۱۳۵۵۴۰۰۵۲-۰۹۱۴۸۶۰۶۹۶۶

آدرس سایت: NezamiBook.ir

آدرس الکترونیکی: Nezami.Pub@gmail.com

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان



فهرست

پیشگفتار.....

مقدمه.....

قسمت اول. «جهانهای معرفتی متفاوت»

چشم‌انداز و پیشینه آن

فصل ۱. چهارچوب دکارتی برای مسئله ذهن - بدن.....

۱-۱. «من» دکارتی.....

۱-۲. ادراکات روشن، متمایز و کامل.....

۱-۳. دو جوهر و رابطه دو جهتی بین «معرفت‌شناسی» و «هستی‌شناسی».....

۱-۳-۱. برهان معرفت.....

۱-۳-۲. مطالب/دانش کامل.....

۱-۳-۳. رابطه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی.....

۱-۴. یک جهان و روابط بین همه چیزهای اولیه (اتحاد بین ذهن و بدن، «من» و

«جهان» و غیره).....

فصل ۲. ضد متافیزیک کانت، دانش تجربی و واقعیت عینی.....

۲-۱. استنتاج ماورایی.....

۲-۲. نقش وحدت ترکیبی اصلی ادراک درونی و موضوعات خارجی.....

۲-۳. طرحواره.....

۲-۴. ادراک و وجود.....

۲-۵. ادراک و گوهر ذاتی.....

۲-۶. تقابل با دیدگاه کانت.....

فصل ۳. دیدگاه عوالم مختلف معرفتی.....

۳-۱. جهانهای معرفتی متفاوت.....

۳-۲. نقش شرایط مشاهده در تعریف پدیده‌های جسمی و روانی.....

۳-۲-۱. تأثیر کانت بر رویکرد بور.....

۳-۲-۲. اصل مهار مفهومی.....

۳-۲-۳. سوژه فیزیکی انسان یا «من».....

۳-۴. هایپرورس و EDWهای آن - پایه و اساس ضد متافیزیکی دیدگاه EDWها.....

مبانی دیدگاه EDWها.....

قسمت دوم. برنامه‌های کاربردی

- فصل ۴. کاربرد برخی مفاهیم از فلسفه ذهن.....
- ۴-۱. سطوح و تقلیل در مقابل پیدایش.....
- ۴-۲. کیفیت، کانت و «من».....
- ۴-۳. علت روانی و فرارویدادگی.....
- فصل ۵. کاربردهای برخی مفاهیم از علوم شناختی.....
- ۵-۱. محاسبات گرای.....
- ۵-۲. پیوندگرایی.....
- ۵-۳. رویکرد سیستم دینامیکی.....
- ۵-۴. رباتیک.....
- ۵-۵. دوگانگی در مورد مفهوم بازنمایی ذهنی و پردازش.....
- ۵-۶. دیدگاه EDW ها و برخی از عناصر کلیدی در شناخت علوم پایه.....
- ۵-۷. رابطه بین عناصر کلیدی و برخی فلسفی تمایزات.....
- ۵-۸. علوم اعصاب شناختی.....
- ۵-۹. وضعیت هر موجود زنده.....
- فصل ۶. کاربرد برخی مفاهیم از فلسفه علم و معرفت.....
- ۶-۱. نیم‌نگاهی به پوزیتیویسم منطقی.....
- ۶-۲. چهارچوبهای زبانی کارنپ.^۱.....
- ۶-۳. کارنپ در مقابل گودل^۲ یا نحوی در مقابل معنایی.....
- ۶-۴. کارنپ در مقابل کوااین^۳ یا بازسازی منطقی در مقابل معرفت‌شناسی بومی شده.....
- ۶-۵. نسبت هستی‌شناختی کوااین.....
- ۶-۶. نسبت گودمن^۴.....
- ۶-۷. پاتنام و رد «حقیقت غایی»^۵.....

^۱ جزء درونی و ذهنی ادراکات حسی که از تحریک حواس توسط پدیده‌ها ناشی می‌شود.

^۲ Carnap

^۳ Gödel

^۴ Quine

^۵ Goodman

^۶ thing in itself

- ۸-۶. اصول پیشینی سازنده نسبی فریدمن^۱.....
- ۹-۶. برخی مفاهیم از مکانیک کوانتومی^۲.....
- ۱۰-۶. وضعیت بیرونی موجودات غیرزنده از نظر معرفت‌شناختی متفاوت است.....
- نتیجه‌گیری.....
- مراجع.....

www.ketab.ir

^۱Goodman

^۲Goodman

مقدمه مترجم:

کتاب گابریل واکاریو علاوه بر بحث پیرامون مسائل فلسفی از جمله هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، فیزیک و متافیزیک، از دیدگاه فلسفه، روانشناسی شناختی را هم مطالعه و آنالیز می‌کند. واکاریو در این کتاب یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های فلاسفه از عصر باستان تا به امروز یعنی بحث «اتحاد ذهن و بدن» را از دیدگاهی جدید و منحصربه‌فرد بررسی می‌نماید؛ دیدگاه‌های قبلی فلاسفه را به چالش کشیده و ایده جدیدی در این زمینه پدید می‌آورد. به زعم او فلاسفه پیشین از عصر باستان تا به امروز دیدگاه‌های فلسفی خود را در یک جهان واحد که از آن تحت عنوان «جهان تک‌شاخ» یاد می‌کند طرح نموده‌اند و این حلقه‌ی مفقوده‌ای در جهان فلسفه بوده است که اندیشه‌های قبلی را با افقی روشنتر به پژوهشهای بعدی متصل می‌کند. به زعم او، فلاسفه پیش از این به دلیل بررسی فرضیات و نظریات در یک جهان واحد، نتوانسته‌اند به چهارچوب نظری خود استحکام بخشند و به همین دلیل نیز نتوانسته‌اند به سوالات چالش‌برانگیزی همچون «اتحاد ذهن و بدن» پاسخ دهند. در همین زمینه، واکاریو می‌گوید: «رویکرد فلاسفه پیشین از جمله دکارت بر اساس یک چهارچوب از پیش موجود است که از زمان یونان باستان بر تفکر بشری مسلط بوده است. در این چهارچوب، یک عنصر کلیدی وجود دارد که خطای اصلی را نشان می‌دهد: فرض «یک جهان»، یک جهان هستی‌شناختی واحد که همه چیز در آن قرار گرفته است (همه موجودات مانند خدایان، فرشتگان، ذهن و بدن، سیارات و میکرو ذرات). در حقیقت، تمام فلاسفه قبل از دکارت و بعد از او، به طرز متناقضی، حتی منتقدانش، همین چهارچوب را پذیرفته‌اند. و به نظر من اشتباه همینجاست: فرض وجود یک جهان، کائنات، از نظر استعاری، من این جهان منحصر به فرد یا «کائنات» را «جهان تک‌شاخ» می‌نامم تا بر ریشه‌های اساطیری- مذهبی آن تأکید کنم.»

واکاریو در تکمیل فرضیه خود چنین ادامه می‌دهد که ما نه یک جهان تک‌شاخ، بلکه جهانهای معرفتی متفاوتی داریم. در واقع، واکاریو بر ضرورت تغییر رویکرد سنتی به فلسفه ذهن می‌پردازد و درباره نوعی تغییر پارادایم در این حوزه از فلسفه، با کنار گذاشتن کامل

(الگوهای عصبی فعال و غیر فعال) و بدن (و تعامل آنها با محیط) مطابقت دارد، یک EDW است.

او همچنین به سؤالی که هنوز پاسخی قطعی ندارد یعنی «آیا «من» وجود دارد؟» می‌پردازد و اضافه می‌کند که برای توضیح ذهنیت انسانی در اصطلاحات روانشناختی از منظر EDW، لازم است برخی دوگانگی‌های روان‌شناختی در مورد مفهوم بازنمایی معرفی شود. همچنین اذعان می‌دارد که یک موجود تنها در صورتی وجود دارد که محدودیتهای معینی برای تعامل با موجودات دیگر داشته باشد؛ و استدلال می‌کند که یک موجود نمی‌تواند با موجوداتی که ساختار متفاوتی دارند و به جهان معرفتی متفاوتی تعلق دارند، تعامل داشته باشد. او وجود را به معنای داشتن حدود معین تعریف می‌کند، و شرایط فعل و انفعالات را دارای پارامترهای خاصی می‌داند که منعکس‌کننده حدود آن موجودیت است.

و اکاریو به بحث «وجود» نیز می‌پردازد و می‌گوید: ما می‌توانیم این مفهوم از وجود را برای شبکه‌های عصبی اعمال کنیم و اذعان می‌دارد که از نظر عصبی، الگوهای عصبی فعال‌سازی ساختار خاصی دارند که متفاوت از یک نورون واحد و همچنین از شبکه عصبی به عنوان یک کل است. همچنین نتیجه می‌گیرد که به طور کلی، یک موجودیت به دلیل ارتباط آن با سایر موجودات که ساختار مشابهی دارند وجود دارد. اما به شکلی که آن موجود در رابطه با سایر موجودات که ساختارهای دیگری دارند و قوانین متفاوتی را رعایت می‌کنند وجود ندارد. یعنی فقط ناظر قادر است از یک مجموعه شرایط مشاهده‌ای به مجموعه دیگر تغییر کند. او چنین استدلال می‌کند که هر موجودیت طبقه موجودیتها را در همان EW مشاهده می‌کند (به طور اساسی با آنها تعامل دارد). به طوری که یک «وجود مجرد» موجودی است که هیچ محدودیتی برای تعامل ندارد و این امکان‌پذیر نیست. نتیجتاً به این نکته می‌رسد که همه موجوداتی که EDWها را پر می‌کنند (انسانها، سیارات، سیاهچاله‌ها، سنگها، الکترونها، پروتونها، کوارکها و غیره) - موجودیتهای محدودی هستند.

و اکاریو در ادامه به مسائلی همچون سطوح هستی‌شناسی در مقابل سطوح معرفت‌شناسی، پیدایش و تقلیل، مشکل علیت ذهنی و مشکل بازنمایی می‌پردازد و همچنین ساخت رباتها

را نیز از دیدگاه جهانهای معرفتی متفاوت بررسی می کند و معتقد است که در ساخت رباتها در روزگار ما چیزی ضروری گم شده است. همچنین بررسی نظریه نسبیت انیشتین و مکانیک کوانتومی، حذف شهوذهای کانتی توسط رایشن باخ و نسبی سازی اصول کانتی، که ایده برهم نهی دو موج و شبه «برهم نهی» موج و ذره، چندجهانی و جهانهای موازی از دیگر مباحث جالبی است که گابریل واکاریو در اثر خود به آنها پرداخته است. بالتبع کار ترجمه چنین اثری که داشتن دانش در خصوص علوم فلسفه، فیزیک و روانشناسی شناختی را می طلبید، کار بسیار دشوار و طاقت فرسایی بود و سعی کرده ام از ابتدا تا انتهای کتاب، تمامی اصطلاحاتی که شاید برای برخی مخاطبان محترم گنگ بوده باشد را در پاورقی به شکل مبسوط توضیح دهم، تا خواننده گرمای در برخورد با اصطلاحات تخصصی و سایر مفاهیم دچار مشکل نشود. مباحثی از جمله: ایده آلیسم استعلایی کانت، نظریه هویت، مونیسیم اسپینوزا، انقلاب کوپرنیکی، اپی چرخه های بطلمیوسی، برهم نهی، امتداد و ...

طبیعتاً این اثر نیز کم و گاستی های خواهد داشت که بازخورد مخاطب گرمای در این خصوص می تواند راهگشای کارهای بعدی برای بهبود هر چه بهتر سطح کیفی آثار باشد. در پایان لازم می دانم در این مسیر از همسر عزیزم لاله سلیمانی تقدیر نمایم، که با همراهی، صبر و مساعدت خود من را در اتمام این اثر ترجمه ای یاری نمود.

ایلقار موذن زاده

(زمستان ۱۴۰۱ - اردیبهشت)